سینما

مدرسه سینمایی عمار برگزار می‌کند

دوره پیشرفته کارگردانی به یاد شهید محسن حججی

مدرسه سینمایی عمار دوره آموزشی پیشرفته کارگردانی را به یاد شهید مدافع حرم محسن حججی در حسینیه هنر برگزار می‌کند. به گزارش «وطن‌امروز»، مدرسه سینمایی عمار دوره آموزشی پیشرفته کارگردانی را به یاد شهید مدافع حرم محسن حججی و برای فیلمسازان منتخب جشنواره مردمی فیلم عمار در حسینیه هنر برگزار می‌کند. ایده و فیلمنامه، کارگردانی، طراحی صحنه، بازیگردانی، تصویربرداری، جلوه‌های ویژه، تدوین، موسیقی فیلم و... از جمله عناوین کارگاه‌های این دوره آموزشی است که با حضور هنرمندانی چون جلیل سامان، احمدرضا معتمدی، اسفندیار شهیدی، حمید قدیریان، کاظم نظری و سیدهادی اسلامی برگزار می‌شود. ظرفیت ثبت‌نام در این کارگاه آموزشی که در دوره ۳ روزه در مرداد و شهریور برگزار می‌شود، محدود بوده و علاقه‌مندان جهت ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به سایت Ammarfilm.ir مراجعه کنند.

تجسمی

چهارمین دوسالانه بین‌المللی کارتون کتاب برگزار می‌شود

مسعو شجاعی‌طباطبایی از برگزاری چهارمین دوسالانه بین‌المللی کارتون کتاب همزمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خبر داد. به گزارش مهر، سیدمسعود شجاعی‌طباطبایی، دبیر چهارمین دوره جشنواره کارتون کتاب گفت: همزمان با ۴۰ سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و با بهره‌گیری از تجربیات ۳ دوره برگزاری جشنواره بین‌المللی کارتون کتاب، چهارمین دوسالانه توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار می‌شود. وی افزود: در این دوره از جشنواره نیز موضوعاتی چون کتاب و شهر، کتاب و زندگی، کتاب و خانواده، کتاب و کودک، کتاب و کتابخانه، کتاب و کتابدار، کتاب و رسانه، کتاب و آینده مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اعتباری که این مسابقه در مجامع تخصصی بین‌المللی به دست آورده، امسال نیز مثل دوره‌های گذشته شاهد برپایی باشکوه آن خواهیم بود. دبیر چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی کارتون کتاب ضمن تقدیر از نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برای اشاعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی، برگزاری منظم، چاپ کاتالوگ، جوایز ارزشمند، حضور هنرمندان برجسته ایرانی و خارجی، سایت تخصصی و... را از عواملی دانست که به این جشنواره اعتبار می‌بخشد. شجاعی در پایان گفت: فراخوان این دوره دوسالانه ۲۵ مردادماه ۱۳۹۷ از طریق سایت جشنواره به نشانی www.booktoon.ir و سایت‌های تخصصی داخلی و خارجی منتشر خواهد شد. در دور سوم دوسالانه بین‌المللی کارتون کتاب بیش از ۲۱۰۰ اثر از ۷۸۳ هنرمند کارتونیست ۷۴ کشور به دبیرخانه جشنواره رسید. آثار برگزیده ۳ دوره جشنواره کارتون کتاب در قالب نمایشگاه‌های دوره‌ای در سطح کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور در طول سال به نمایش گذاشته می‌شود.

ادبیات

شکور لطفی، نویسنده پیشکسوت ادبیات کودک درگذشت

شکور لطفی، نویسنده پیشکسوت کودک و نوجوان و بنیانگذار انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران (سروش) درگذشت. به گزارش مهر، شکور لطفی سال ۱۳۲۲ در شهرستان میانه به دنیا آمد و در دوره دبیرستان در انجمن ورزشی «ابرمرد» با نادر ابراهیمی آشنا و وارد کارهای فرهنگی شد. بنیانگذاری انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران (سروش)، نویسندگی ده‌ها برنامه تلویزیونی کودک و نوجوان از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۲، تالیف ۵ عنوان کتاب کودک، مشارکت در تولید سریال‌های «سفرهای دور و دراز هامی و کامی» و «صدای صحرا» از جمله فعالیت‌های فرهنگی شکور لطفی بوده است. اگرچه امسال، همزمان با روز ادبیات کودک و نوجوان مراسم بزرگداشتی برای شکور لطفی برگزار شد اما این نویسنده و ورزشکار پیشکسوت، روزهای پایانی عمر خود را در تنهایی گذراند بدون آنکه وزارت فرهنگ و ارشاد، انجمن نویسندگان کودک یا وزارت ورزش و ورزشکاران از او تقدیر و تجلیل کنند. گفتنی است لطفی از کشتی‌گیران و مربیان با سابقه کشتی آزاد و فرنگی و از کوهنوردان صاحب‌نام ایرانی بود.

پیشتازی «مأموریت غیرممکن» در گیشه هالیوود و ژانری که سینمای ایران غافل از آن است

مأموریت فراموش شده

احسان سالمی: سال‌هاست ابرقهرمان‌های آمریکایی روی پرده سینما تبدیل به هویت متمایزی برای هالیوود شده‌اند؛ هویتی که از یک رو برای مردم آمریکا مایه مباهات و غرور است و از سوی دیگر صنعتی پرسود را برای سینمای آمریکا به ارمغان آورده است. «ماموریت غیرممکن» در رده پراقبال‌ترین فیلم‌های هالیوود بوده که توانسته است تاکنون ۶ اثر جدید در سال‌های مختلف به سینما عرضه کند و تام کروز را در همه این سال‌ها روی پرده قهرمان مردمان بی‌قهرمان جلوه دهد؛ اثری که به جهت مختصات هیجانی، اکشن و سرگرم‌کننده‌اش همواره در گیشه دست پر بوده و صدر باکس‌آفیس هالیوود را از آن خود کرده است. این بار نیز fall out یا همان ششمین قسمت ماموریت غیرممکن یکه‌تاز جدول فروش سینماهای هالیوود شده است و در حالی که کمدی‌های مبتذل جنسی در گیشه سینمای ما برای مردم خودنمایی می‌کنند و قهرمان‌های دوست‌داشتنی فیلم‌های اکشن ایرانی به دست فراموشی سپرده می‌شوند، تام کروز پرچم سینمای هالیوود را بالا می‌برد!

■ **وقتی اتان هانت از جیمز باند جلو می‌زند**

قسمت جدید «ماموریت غیرممکن» به اذعان منتقدان و البته به اعتبار گیشه خوب و فروش بالایی که تا به اینجا داشته، یکی از موفق‌ترین آثار این مجموعه است. این فیلم بازگشتی دوباره برای کروز است که با فیلم‌های اخیرش از جمله «مومیایی» و «جک ریچر: هرگز برنگرد» موفقیت چندانی کسب نکرده بود. کمپانی پارامونت با اکران «ماموریت غیرممکن- فال‌آوت» فروشی ۶۱/۵ میلیون دلاری را در ۳ روز نخست نمایش این فیلم در آمریکا ثبت کرد. این فیلم با نمایش در ۴۳۸۶ سالن سینما موفق شد بهترین افتتاحیه این مجموعه را به دست آورد، البته پرفروش‌ترین قسمت این مجموعه «ماموریت غیرممکن: پروتکل روح» بود که ۶۹۴/۷ میلیون دلار در سراسر دنیا فروش کرد. این مجموعه تاکنون در مجموع ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در جهان فروخته است که از جمله پولسازترین آثار سینمای جهان به شمار می‌رود، البته «ماموریت غیرممکن» در کنار موفقیت در گیشه سینماها و جلب نظر مخاطبان عام سینما، توانسته در زمینه جلب نظر مخاطبان خاص سینما یعنی منتقدان نیز موفق ظاهر شود تا در همین بازه زمانی چند هفته‌ای پس از آغاز اکران این فیلم، انبوهی از نقدهای مثبت در ارتباط با آن منتشر شود. منتقد مجله «اینترتینمنت ویکلی» نوشت که این فیلم ثابت می‌کند این مجموعه فیلم درست مثل ستاره‌اش اتان هانت (با بازی تام کروز) که به نظر می‌رسد هرگز پیر نمی‌شود، هیچ‌وقت قدیمی نمی‌شود. او همچنین با تعریف از خط داستانی فیلم گفت: «از نظر روایت جاه‌طلبانه فیلم، به اندازه بدلکاری‌های جذاب کروز، هوشمندانه است. الان وقتش شده حداقل این مکالمه را آغاز کنیم که فیلم‌های «ماموریت غیرممکن» توانسته‌اند از فیلم‌های جیمز باند جلو بزنند.» دیگر مجله‌ها مثل فوربس هم این فیلم را به عنوان تزئین روی کیکی توصیف کردند که شاید بتوان آن را بهترین مجموعه فیلم‌های اکشن در تاریخ مدرن سینما خواند. اسکات مندلسون، منتقد فوربس گفت: «ماموریت غیرممکن» جدید سرعت بدون توقف «مد مکس: جاده خشم»، شدت و سنگینی «شوالیه تاریکی» و سبکی خاص دارد که باعث می‌شود دیگر سخت بتوان گفت تام کروز یک بازیگر اکشن تکراری است و نوآوری ندارد.

■ **تکرار در تکرار موفقیت!**

تاریخچه این مجموعه فیلم به سریالی تلویزیونی بازمی‌گردد که بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ پخش می‌شد؛ سریالی که در آن گروهی به‌نام «گروه ماموریت‌های غیرممکن» حضور داشتند که باید ماموریت‌های‌شان را تحت نظارت دولت انجام بدهند. موفقیت این سریال‌ها باعث شد کمپانی پارامونت تصمیم بگیرد فیلمی سینمایی از این سریال بسازد؛ فیلمی که نسخه اول آن را برایان دی‌پالما، کارگردان سرشناس و صاحب‌سبک هالیوود کارگردانی کرد و موفقیت آن نیز در گیشه چشمگیر بود. این موفقیت در ادامه در قسمت‌های دوم و سوم هم تا حدودی ادامه پیدا کرد، هر چند آنچنان که سرمایه‌گذاران این مجموعه انتظار داشتند، نبود. به همین خاطر تهیه‌کنندگان تصمیم گرفتند با داستانی پرریسک و خطرناک، «ماموریت غیرممکن ۴» را با زیرعنوان «پروتکل شبح» در سال ۲۰۱۱ بسازند. «پروتکل شبح» روحی تازه به مجموعه بخشید و پایه‌گذار ساخت فیلم‌های بعدی نیز شد؛ فیلمی که تا آن زمان پرسودترین فیلم این مجموعه و همچنین پرسودترین فیلم کروز لقب گرفت. این موفقیت در فیلم بعدی یعنی «ماموریت غیرممکن: ملت یاغی» نیز تکرار شد تا «ماموریت غیرممکن» تبدیل به یکی از معدود فیلم‌های اکشن تاریخ سینما شود که در بیش از ۳ قسمت ادامه پیدا می‌کند و در هر مرحله نیز سود قابل توجهی را عاید سازندگان خود می‌کند.

■ **چرا «مأموریت غیرممکن» مأموریت غیرممکن شد؟**

گذشته از موفقیت‌های پرشمار این مجموعه فیلم در گیشه به نظر می‌رسد آنچه باعث شده مجموعه فیلم‌های «ماموریت غیرممکن» همواره مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار بگیرد، وجود برخی از ویژگی‌ها در این مجموعه است. بدون شک نخستین و بارزترین این عوامل را باید حضور تام کروز در قامت قهرمان اصلی قصه این اثر دانست؛ بازیگری سرشناس و محبوب که بخوبی توانست از عهده ایفای نقش یک مامور مخفی که انجام عملیات‌های ویژه و مهم به او سپرده می‌شود، برآید. جالب آنکه کروز در بسیاری از صحنه‌های سخت این فیلم‌ها بدون استفاده از بدل و با استفاده از توانایی‌ها بالای بدنی خود حضور پیدا کرده است. در کنار این موضوع، نوع روایت قصه اثر که مبتنی بر تعلیق‌های پی در پی و استفاده بالا از عنصر کشمکش در دل قصه است، بر جذاب‌تر شدن قصه این مجموعه افزوده است؛ قصه‌هایی که با هر بار پیشرفت تکنولوژی در حوزه جلوه‌های ویژه کامپیوتری، به چشم مخاطبان خوش رنگ و لعاب‌تر و البته واقعی‌تر می‌آمدند. علاوه بر این از تاثیر موسیقی منحصر به فرد این مجموعه نیز نباید غافل شد. موسیقی جذابی که متناسب با فضای پرحادثه این مجموعه فیلم ساخته شده و ملودی آن بارها الهام‌بخش موسیقی سایر آثار سینمایی و انیمیشن بوده است.

■ **زینال بندری‌های فراموش شده سینمای ایران!**

اما شاید بد نباشد حالا که از موفقیت‌های مجموعه فیلم‌هایی همچون «ماموریت غیرممکن» یاد کردیم، نگاهی هم به این موضوع بیندازیم که چرا سینمای ایران در این سال‌ها در زمینه ساخت فیلم‌هایی در ژانر اکشن و جاسوسی ضعیف شده است؟ چرا در شرایطی که همواره از بین چند فیلم پرفروش سال در سینمای جهان حداقل یک یا ۲ مورد به فیلم‌های ژانر اکشن اختصاص دارد، ولی این قاعده اصولا در سینمای ایران صدق نمی‌کند؟ شاید بهانه بخش عمده‌ای از سینماگران ایرانی برای عدم ورود به این حوزه، سرمایه بالای لازم برای ساخت این آثار به نسبت فیلم‌های اجتماعی و آپارتمانی باب شده در این سال‌هاست؛ سرمایه‌ای که احتمالا کمتر سرمایه‌گذاری میل و رغبتی برای پرداخت آن دارد. اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل این اتفاق را باید رویکرد جشنواره‌زده سینمای ایران و توجه خاص این جشنواره‌ها به فیلم‌های اجتماعی دانست. رویکردی که از یک سو سینماگران را برای بیشتر دیده شدن، وادار به توجه بیشتر به این ژانر می‌کند و از سوی دیگر بخش عمده سرمایه‌هایی را که وارد سینمای ایران می‌شود (چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی) به دلیل سیطره همه‌جانبه این نگاه جشنواره‌زده به شکلی ناخواسته به سمت ساخت فیلم‌های اجتماعی سوق می‌دهد. همه این اتفاقات در شرایطی است که هنوز یکی از پرمخاطب‌ترین آثار تاریخ سینمای ایران فیلم سینمایی «عقاب‌ها» است که اثری در ژانر اکشن به شمار می‌رفت؛ فیلمی با بازی «جمشید هاشم‌پور» که زمانی اسطوره فیلم‌های اکشن ایرانی بود و هنوز هم اغلب مخاطبان این ستاره سینما را با نقش به‌یادماندنی «زینال بندری» در فیلم اکشن «تاراج» به‌خاطر می‌آورند.

نگاه

وقتی مسابقه استعدادیابی تلویزیون تبدیل به محفلی برای شوخی‌های غیراخلاقی می‌شود

«خندوانه» مثبت ۱۸!

گروه فرهنگ و هنر: سری جدید مسابقات «خداننده‌شو» برنامه خندوانه از همان ابتدا با حواشی مختلفی روبه‌رو بود که بخش عمده‌ای از این حواشی ناشی از شوخی‌های پرتعداد جنسی و ۱۸+ کمدین‌های این برنامه بود. حواشی بسیاری در مسابقه پنجشنبه‌شب این برنامه توسط کمدین نوجوان این برنامه به اوج خود رسید. به گزارش «وطن امروز»، برگزاری مسابقات خداننده‌شو از سوی تیم سازنده برنامه خندوانه ابتدا ایده جالب توجهی بود که در کنار اجرای یک برنامه کمدی و سرگرم‌کننده، راهی برای ورود استعدادهای تازه به عرصه طنز و کمدی کشور بود ولی در ادامه و در سری جدید این برنامه ورود بیش از اندازه شوخی‌های دوپهلو و ۱۸+ به این برنامه باعث شکل‌گیری حجم بالایی از انتقادات به «خندوانه» و عوامل سازنده آن شد. گذشته از اینکه بهتر بود سازندگان این برنامه قبل از انتخاب این افراد گمنام برای حضور در مسابقه و گذاشتن آنتن شبکه نسیم در اختیارشان آن هم در یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های تلویزیون، کمی در ارتباط با رزومه و مسائل پیرامونی آنها جست‌وجو می‌کردند، آنچه واضح و غیرقابل تردید است، مسؤولیت سازندگان خندوانه در ارتباط با محتوایی است که توسط این کمدین‌های به مخاطبان ارائه می‌شود. اشاره مستقیم به مسائل زناشویی و ارائه نشانه‌هایی در ارتباط با روابط جنسی، توهین و تمسخر والدین و سایر بزرگ‌ترهای فامیل از جمله دایی و عمو، انتخاب موضوعات سخیف و سطحی، موجب می‌شود خانواده‌ها علاوه بر اینکه نتوانند فرزندان‌شان را با خیال آسوده پای این برنامه بنشانند، بلکه خود نیز از بعضی مطالب شرم‌آور و قبح‌شکن موجود در «خداننده‌شو»، احساس خجالت کنند. برای نمونه یکی از کمدین‌های این برنامه که خود نوجوانی ۱۷ ساله است در اجرای پنجشنبه‌شب خود با اشاره به اینکه پدرش همیشه ایده‌های عجیبی را در سر می‌پروراند، گفت: «پدر من دائم ایده می‌دهد. او این کار را بعد از هر بار دستشویی رفتن، انجام می‌دهد. من اصلا خودم حاصل یکی از همین ایده‌های یهویی بابام هستم! یک بار، بعد از اینکه از دستشویی بیرون آمد در حالی که دست‌هایش را با لباسش خشک می‌کرد، گفت: متین! و من ۹ ماه بعد به دنیا آمدم.» آیا بیان چنین مسائلی از زبان یک نوجوان، در آنتن یک برنامه تلویزیونی پرمخاطب که اغلب توسط خانواده‌ها دیده می‌شود، از نظر سازندگان برنامه خندوانه و مدیران شبکه نسیم ایرادی ندارد؟ جالب اینکه برخی از این کمدین‌ها بعد از حضور در این برنامه و تبدیل شدن به یک چهره سرشناس، در برنامه‌ها دیگر تلویزیون یا در خارج از تلویزیون نیز حضور پیدا می‌کنند که نمونه اخیر آن حضور مجید افشاری یکی از کمدین‌های دوره قبلی این مسابقات که اتفاقا یدطولایی در استفاده از این‌گونه شوخی‌ها هم داشت، به عنوان مجری یکی از برنامه‌های جدید شبکه ۳ است! حالا و با گذشت چند فصل از تولید برنامه خندوانه، باید قبول کرد مسؤولیت این برنامه و سازندگان آن صرفا سرگرم‌سازی مردم نیست، چرا که تاثیر این برنامه در فرهنگ و روابط اجتماعی مخاطبان حالا بیش از همیشه است.

کتاب

یادداشتی بر کتاب «صحن علنی» سینا علیمحمدی

ساده‌گفتن راحت نیست

وارش گیلانی: سینا علیمحمدی را از زمانی که جوان‌تر بود می‌شناختم؛ او از آن دسته شاعران جوانی بود که همواره سعی در تازه‌کردن شعرهایش داشت اما چندان موفق نبود. در واقع نوگرایی کاری است که از هر کسی برمی‌آید، چون هر کسی یک کار برخلاف آمدی کند، بالطبع او کار متفاوت یا به قولی کار تازه‌ای انجام داده است که ممکن است این کار عادی یا خیلی غیرعادی باشد اما واقعیت و شاید حقیقت نوگرایی در آن است که شاعر بتواند نقشش را در شعرهایش به گونه‌ای اجرا و پیاده کند که برای مخاطب باورپذیر باشد. بگذریم و برسیم به اصل مطلب که نگاهی تقریبا گذراست به دفتر شعر سینا علیمحمدی با نام «صحن علنی»! همین انتخاب عنوان دفتر شعر از جانب شاعر که با قاطعیت آن را اعلام می‌دارد؛ در واقع می‌خواهد بگوید که در پی برهم‌زدن قاعده‌هایی است که با آنها الفت گرفته‌ایم. شاعر سعی کرده اسامی شعرهایش نیز متفاوت باشد. این متفاوت و تازه نشان دادن وقتی تازه و متفاوت خود را نشان می‌دهد که به واقع اشعار این دفتر تازه و متفاوت باشد، در صورتی که با خواندن چند شعر اول تنها چیزی که دریافته می‌شود، سادگی گفتار جملات است که به نثر ادبی پهلو نمی‌زند: «نه...!/ تو این همه راه/ از پشت کوه نیامده‌ای/ تا ساده‌لوحی‌ات را/ به رخ پنجره بکشی/ و نمناکی دیوارهای اتاق/ تو را با آسمان و طراوت جنگل/ آشتی نخواهد داد...» بین پشت‌کوهی و ساده‌لوحی ارتباط هست اما بازی‌کردن شاعر با آن و بی‌معنی کردن و بی‌ارتباط کردن آنها و همچنین «اتاق نمناک با آسمان و طراوت جنگلی»، آیا ما را به شعر می‌رساند یا به یک بازی بیهوده و سرکاری که نشان می‌دهد که شاعر حتی بازی‌کردن با کلمات را هم بلد نیست. قسمت دوم همین کار هم همین حالت را دارد اما شاعر وقتی می‌خواهد ساده و قابل فهم شعر بگوید و از ارزش‌ها یاد کند، دیگر این مشکلات را ندارد، اگرچه باز بخش‌هایی از کارش نثر ادبی است و نه شعر:

«کاش دوباره بیایی/ به افتخار همین نام مستعار/ یک دقیقه، تنها یک دقیقه/ عاشق باشیم/ با عطر خمپاره و امن یجیب». دیگر اینکه اگر کلمه «فینال» ما را دچار این تخیل ساده کند که توپ را دو گونه ببینیم، یکی در میدان فوتبال و دیگری در میدان جنگ، آیا همین کافی است برای تخیل و شعر شدن؟! همین که در ابتدا بگوییم: «شلیک می‌شود»، معمولی‌ترین مخاطب هم ذهنش می‌رود به شلیکی از نوع جنگی، یعنی مثل فیلم‌های آبکی آخرش لو می‌رود. هیچ تمهیدی برای سادگی گفتار شعر به کار گرفته نشده، نه از معیارهای گذشته نزدیک به امروز و نه تفاوتی و تازگی در گفتار! پس تکلیف شاعر با نوگرا بودنش کجا رفته! «توپ شلیک می‌شود/ گلی می‌روید/ هیجان تمام تخیلم را برمی‌دارد/ می‌برد وسط این مستطیل سبز/ (امروز فینال است)/ کسی می‌برد/ کسی می‌بازد/ و شگفت که این بازی‌ها/ همیشه مساوی تمام می‌شود!/ توپ شلیک می‌شود/ ویرانه‌ای می‌روید/ وسط زیتون‌زارها/ تمام تخیلم را برمی‌دارم/ می‌برم وسط خیابان/ و مشت‌هایم را رها می‌کنم/ (فینال امروز است)/ نه جام را می‌خواهم/ نه جهان را...!» سطر سطر اثر بالا، بر هر کدام یکی دو اشکال وارد است؛ اولش را که گفتیم. بعد با بیان اینکه گونه زبان‌آوری‌ها که «گلی می‌روید» یا با جمله «هیجان تمام تخیلم را برمی‌دارد»؟ مثلاً نوآوری کرده‌ایم؟! مطول بودن نیز یکی دیگر از ویژگی‌های منفی این دفتر است؛ مثل کار «چوب‌پنبه» که در ابتدا می‌رفت که خوب باشد اما خوش آمدن شاعر از مستی کلام خودش کار دستش داد و شعر مطول شد. در صورتی که یکی از ویژگی‌های مدرن و تازه و نوگرا و متفاوت بودن، ایجاز را رعایت کردن است. ساده‌گویی‌های شاعر گاه امیدی را زنده می‌کند که شاعرانگی هم گاهی در این دفتر یافت می‌شود، مثل شعر «باقلاوا» اما وقتی به ادعای نوگرایی و متفاوت بودن که ظاهراً از جانب سینا ابراز نشده اما بیان نکردنش گوش را کر کرده، می‌رسیم و... و نیز وقتی می‌رسیم به این کار که: «شاعر نیستم/ شعر نمی‌گویم/ می‌نویسم بهار/ تا تمام خیابان را/ باران نقاشی کنی/ و بهانه امروز / برای سرودن/ تنها تو باشی/تو/ درست مثل بهار» به این ساده‌انگاری و نثری که حتی ادبی هم نشده و... براستی چه باید گفت. او خود باید دست به کار شود و از پشتوانه‌ها نیز بهتر از بیان یک واقعیت صرف بهره ببرد، زیرا اینکه گفت صرفاً بیان یک واقعیت صرف بود که تا کنون به ذهن خیلی‌ها نیز رسیده است. سینا با انتخاب ضمنی «شعر گفتار»، انتخاب سختی کرده، زیرا این نوع شعر اگر پر از تمهیدات و پشتوانه نباشد، بزرگ‌ترین شاعران نیز در گفتنش درمی‌مانند اما کسی او را یا کسی را مجبور نکرده که چگونه بگو که راحت یا سخت باشد!

سادگی‌ها گول‌مان نزند؛ ساده گفتن راحت نیست، ساده و ممتنع گفتن!

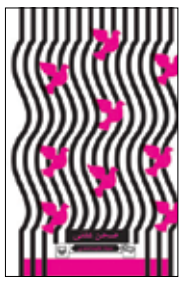

تلویزیون

ساخت سریال «حضرت موسی(ع)» منتفی شد

کارگردان سریال «حضرت موسی» به دلیل بی‌توجهی مدیران صداوسیما، از ساخت این سریال به صورت موقت کناره‌گیری کرد. به گزارش صبا، بیش از ۲ سال است که اخبار متفاوتی از ساخت سریال «حضرت موسی(ع)» شنیده می‌شود و هر بار هم آخرین خبرها حکایت از بلاتکلیفی تأمین مالی این پروژه پرهزینه از سوی صداوسیما داشته است. سریال حضرت موسی(ع) را بنا بود فرج‌الله سلحشور بسازد اما عمرش کفاف نداد و قرار شد جمال شورجه، نویسنده و کارگردان نام‌آشنای کشورمان کار بر زمین مانده مرحوم سلحشور را به سرانجام برساند. شورجه درباره عدم ساخت سریال «حضرت‌موسی(ع)» گفت: بهتر است این سوال را از تهیه‌کننده سریال، احمد میراعلایی بپرسید. من ۲ سال منتظر بودم قرارداد منعقد شود و حتی کند و لاک‌پشتی سریال را با اندک مبلغ دستمزد که اندازه دستمزد یک خدماتی است، آغاز کنم و بهانه‌ای برای بودن در این پروژه داشته باشم اما گویا اراده‌ای برای ساخت این سریال با وجود تاکیدات رهبری معظم از سوی مدیران صداوسیما وجود نداشت. سرانجام بنده به دلیل اهانت با روش بی‌توجهی، پیشنهاد کارگردانی فیلم سینمایی «احمدبای» را پذیرفتم تا شاید مسؤولان سیما عصای حضرت موسی(ع) را پیدا کنند و به دریای موانع این مجموعه فرود آورند، البته جناب میراعلایی همچنان یار صدیق و پا به رکاب این سریال هستند. بنده اگر هم توفیق بود و به شرط بقا در رکاب خواهم بود.

■■■

«تب‌تاب» در شبکه ۳

برنامه تلویزیونی «تب‌تاب» که یک برنامه گفت‌وگو محور است بزودی در شبکه ۳ سیما کلید می‌خورد. به گزارش فارس، موضوع گفت‌وگوهای این برنامه که چالشی و بدون رودربایستی است، توسط یک اتاق فکر طراحی می‌شود و شامل همه موضوعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... می‌شود. تهیه‌کنندگی این برنامه را مریم جلالی و عباس اختری بر عهده دارند و از نکات قابل توجه آن تعاملی بودن این برنامه و حضور پررنگ مخاطبان و نظرهای آنان در این برنامه است. در حقیقت دکور این برنامه معلق خواهد بود و با توجه به نظر مخاطبان درباره پاسخ‌های میهمانان برنامه به اطراف حرکت می‌کند.

شعر

نوسروده مهدی جهاندار برای شهید حججی

عاشق تشنگی

اربعین که می‌رسید بغض غریبی تو صداش بود
بغض بی‌صدایی که تا وقت رفتنش باهاش بود
به خیال تاول پاهای بچه‌های زهرا
دس به دیوار می‌گرفت، راه رفتنش یواش یواش بود
توی روضه‌ها فقط عاشق روضه‌های عباس
توی روضه‌های عباس عاشق تشنگیاش بود
از نجف تا کربلا گریه می‌کرد و سینه می‌زد
از نجف تا کربلا فقط خودش بود و خداش بود
از نجف تا کربلا می‌رفت و از پا نمی‌افتاد
آروم و قرار نداشت انگاری قلبش تو پاهاش بود
تو یکی از موکبا شنید که سوریه رُ بسته ن
دل زینب شکسته ن، زینبی که جون فداش بود
بعد اربعین که برگشت، یه حال تازه‌ای داشت
نصفه‌شب‌ها یه دعای تازه‌ای تو رنباش بود
کوله‌بارشُ دوباره بست و راهی سفر شد
فرقش این بود که یه سربند یا زینب لابه‌لاش بود
بعضیا زخم زبون بهش زدن، بعضیا تهمت
همه‌جا کرب‌وبلاس؛ سرش فقط به کربلاش بود
خبرش اومد سرش قراره دیگه برنگرده
خبرش اومد همین خواهشش از امام رضاش بود
اربعین روز سوا کردن مردای ظهوره
اربعین آخر قصه نه که تازه اولاش بود